

کلامك - «حسبى الله»

نقش مهر: وسط - «بنده شاه ولایت حسین ۱۱۱۲»

حاشیه - «جانب هرکه با علی نه نکوست

هرکه کوباش من ندارم دوست

هرکه چون خاک نیست بردراو

گر فرشته است خاک بر سراو»

فرمان همایون شرف نفاذ یافت آنکه چون در اینوقت وکیل رفعت و معالی پناه محمد خان بك ملك الكاء شکی بعرض رسانیدکه قبل از این که کخدایان و ریش سفیدان و رعایاء محال مزبورہ بدرگاہ جهانپناه آمده بعد از عرض احوال خود و بد سلوکی و توقعات ملك حسن ملك سابق مبلغ یکصد تومان التزام برطبق آن و موازی پانصد عدد اشرفی برسم پیشکش قبول واستدعاء ملکی باسم موکل مشارالیه و تعیین محصل بجهت تشخیص تصرفات خلاف حساب ملك حسن مزبور نموده بودند ملکی مزبور بموکل مشارالیه مرجوع و رقم مبارك اشرف بمحصلی میرزا علیار تابین عالیجاه وزیر دیوان اعلی و حکم اشرف در باب ملکی مزبور صادر و بعد از گذشتن از دفاتر حکم ملکی مفقود و حسب الاستدعاء مشارالیه پروانچه مثنی شفقت و آن نیز فوت شده واستدعاء مثنی دیگر نمود و از سرکار اوارجہ آذربایجان وتوجیه دیوان اعلی و سرخط نوشته اندکه درباب ملکی محال شکی پروانچه مطاعه بتاریخ شهر شوال سنه ۱۱۱۱ صادر گشته مضمون آنکه چون در این وقت وکیل کخدایان و ریش سفیدان و رعایاء محال شکی بعرض رسانیدندکه ملکی محال مزبورہ مدت متمادی با ملك صفی قلی برادر مرحوم مهتر داود و ملك صفرقلی ولداو بوده همگی اوقات خودرا صرف انجام مهام و رفاهیت رعیت و تحصیل دعاء خیر مینموده اند وبعد از فوت صفرقلی حسن نام شخصی که ازادانی رعایاء محال مزبورہ بوده و هیچ وقت امر مزبور با او و اجداد او نبوده و تلاش نمودباو مرجوع وانواع زیادتی و جبر تعدی و تحمیلات وتوجیہات خلاف حساب

برعجزه وزیر دستان نموده و در حینی که حاکم الکاء مزبور در سفر کردستان بوده مبلغ سه هزار تومان تبریزی بجزرو عنف از رعایاء آنجا گرفته اکثر رعایا بولایت گرجستان و قراباغ و سایر ولایات متفرق شده‌اند و استدعا نمودند که ملکی آنجا بررفت و معالی پناه محمد خان ولد ملک صفر قلی مزبور مرجوع گردد که بدستور آبا و اجداد بخوش سلوکی و کم طمعی بامر مزبور قیام نماید بنابر این از ابتداء لوی ئیل ملکی و ریش سفیدی الکاء مزبور را بتغیر ملک حسن مزبور بمشارالیه شفقت و مرحمت فرمودیم که حسب الرضاء رعایا و ارباب بنیچه بامر مزبور و لوازم آن قیام و اقدام نموده ملکان جزء و ریش سفیدان و کدخدایان الکاء مزبور مشارالیه را ملک مستقل خود دانسته از سخن و صلاح حساسی او که موجب رفاهیت و آسایش عجزه وزیر دستان بوده باشد بیرون نرفته رسوم امر مزبور را موافق معمول آن ولایت که در وجه ملکان سابق مقرر بوده در وجه مشارالیه مقرر دانند وظیفه مشارالیه آنکه بارعایا و برابراکه و دایع بدایع حضرت اند بوجه احسن سلوک نموده نوعی نمایند که در همه باب دعاء خیر جهت نواب کامیاب همایون حاصل شود و ثانی الحال و کیل مزبور عرض نموده بود که پروانچه مزبور را از دفاتر گذرانیده فوت نموده پروانچه مثنی بتاریخ شهر محرم سنه ۱۱۱۳ بشرح مسطور صادر و از سرکارات مزبوره گذشته و دریاب وجه پیشکش و وجه التزام رقم مبارک اشرف بتاریخ شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۱۱۱ ثانی الحال به ثبت سرکار او ارجه رسیده باین مضمون عز صدور یافته که سیادت و نجابت پناه میرزا علییار تاین عالیجاه وزیر دیوان اعلی بدانکه کدخدایان و ریش سفیدان و رعایاء محال شکی از شکوه از سؤ سلوک حسن ملک سابق آنجا و استدعای ملکی آنجا جهت ملک محمد خان ولد ملک صفر قلی و موازی پانصد عدد اشرفی پیشکش سرکار خاصه نمودند چون بر مضمون رقم اشرف مطلع گردد موازی مزبور را از کدخدایان و ریش سفیدان و ارباب و رعایا باز یافت و تحویل صاحب جمع خزانه عامره و ملک سابق را با مودیان نزد عالیجاه بیگلر بیگی قراباغ و حاکم کاخ برده بحقیقت ابواب و زیادتی مشارالیه رسیده مبلغ یکصد تومان وجه التزام را بهر طرف که لازم آید با زیافت نموده ابواب جمع خود داند بنابر این مقرر فرمودیم که رعایا و ارباب بنیچه و ملکان جزوو کدخدایان محال مذکوره بمضمون پروانچه مطاعه مسطوره عمل نموده پروانچه حال را با پروانجات سابق متحد دانسته از مدلول آن عدول ننمایند و هر ساله حکم مجدد تطلبند و در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر ربیع الاول سنه ۱۱۱۳

10 №-ли фәрманын архасындакы гејдләр

- ۱ – از قرار نوشته وزارت و شوکت و اقبال پناه حشمت و عظمت و اجلال دستگاه صوفی زاده قدیم خاندان ولایت نشان عالیجاهی، اعتضاد السلطنة السلطانیه، آصفجاهی، اعتماد الدولة العلیة العالیة الخاقانیه. صم شد.
- ۲ – طغرا. (توکلت علی الله و فتح قریب)
- ۳ – نقش مهر. (...)
- ۴ – نقش مهر. (...)
- ۵ – نقش مهر. (افوض امری الی الله عبده صفی قلبی)
- ۶ – طغرا. (...)
- ۷ – نوشته شد.
- ۸ – مهر (بنده شاه دین است ابوالحسن)
- ۹ – ثبت دفتر سرکار حوالات شد.
- ۱۰ – نقش مهر. (...)
- ۱۱ – ثبت دفتر نظارت شد.
- ۱۲ – نقش مهر. (...)
- ۱۳ – ثبت دفتر توجیه دیوان اعلی شد. مهر: «بنده آل محمد باقر».